[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی

مهدی زندیه */ پدرام حصاری**

تاریخ دریافت مقاله: 1390/09/28
تاریخ پذیرش مقاله: 1390/12/14

چکیده

با پیشرفت‌های صنعتی، افزایش جمعیت و گسترش رفت و آمد میان شهرها و روستاها و رواج وسایل ارتباطات جمعی، با بررسی ساخت و سازهای روستایی دوران معاصر با نمونه‌های متعددی از طرح‌ها یا ساختمان‌های روستایی احداث شده مواجه می‌شویم که دچار انواع نابسامانی در طرح، انتخاب سیستم ساختمان، اندام‌ها، عناصر عملکردی و کیفیت ساخت و اجرا است، نابسامانی هایی که در هنگام بهره برداری ساکنان به شدت بروز پیدا می‌کند و موجب ناخرسندی آنان و همچنین عامل به‌وجود آمدن شرایط نامناسب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در آینده می‌گردد. معماری به مثابه ظرفی که تمامی ابعاد زندگی انسان را تحت نظر دارد در اینجا با نمودی نامناسب، باعث ناخشنودی است. بخشی از این نابسامانی‌ها که آثار آن در مرحله بهره برداری بیشتر نمایان می‌شود، بی توجهی یا کم توجهی به اهداف و اصول صرفه جویی در مصرف انرژی و طراحی همساز با محیط و اقلیم است که علاوه بر پیامدهای اقتصادی، تأثیر چشمگیری بر سطح آسایش و بهداشت ساکنان می‌گذارد و از لحاظ اجتماعی بر آداب، رسوم، سنن و روش زندگی روستائیان مؤثر خواهد بود. این ابعاد از تأثیرگذاری‌ها، در نهایت پایداری را دچار خسران می‌نماید و در پی آن روستا متضرر خواهد شد.

توسعه پایدار روستایی با رویکردهای زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی، در صورت تجمیع تمامی ابعاد روستا میسر خواهد بود. به منظور بروز پایداری در روستا باید از جزء به کل نگریست و گام برداشت، با توجه به موضوع این پژوهش؛ مسکن به‌عنوان یک جزء می‌تواند به‌عنوان کلیتی عمل کند که در صورت اجرا و طراحی صحیح از مصداق های پایداری بوده و گامی مناسب به سوی توسعه پایدار باشد. این مقاله که با مطالعات و بررسی‌های لازم و اسناد موجود در دسترس تألیف شده است، سعی دارد عوامل مؤثر بر تغییرات ساخت و ساز مسکن روستایی و چگونگی عملکرد صحیح آن در توسعه روستا را روشن سازد و با ارائه راهکارهایی مناسب در راستای تداوم معماری مسکن روستایی گام برداشته و به‌عنوان یک جزو اساسی موجبات پایداری در روستا را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، تداوم، مهاجرت، مشارکت، جهانی شدن.

* استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، دکترای معماری منظر از انگلستان. Mahdi_Zandieh@yahoo.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری ، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

مقدمه

آنچه امروز اهمیتی روزافزون می یابد، این واقعیت است که نه تنها جوامع به‌طورکلی، بلکه جماعت‌های روستایی نیز در حال پیچیده‌تر شدن روزافزون هستند. این گونه پیچیدگی در تنوع پذیری الگوهای فعالیت و جابه‌جایی افراد، خانوارها و نهادها و به‌طورکلی در حجم روزافزون جریان اطلاعات، سرمایه، نوآوری و ... به خوبی قابل ردیابی است (سعیدی،89: 4).

واحدهای مسکونی خانواده‌های سنتی روستایی از یک سو تحت تأثیراقلیم و شرایط محیط طبیعی است و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده‌ها ارتباط دارد. به‌طور عمده خانواده‌های روستایی در ساخت مسکن از امکانات محیط پیرامون خود و مواد و مصالحی که طبیعت در اختیار آنان قرار می‌دهد، استفاده می‌کنند. اما در سال‌های اخیر تغییرات و دگرگونی‌های زیادی در وضع مساکن روستایی پدید آمده است. بر اثر بهبود نسبی وضع اقتصادی خانواده‌ها در نتیجه افزایش قیمت محصولات کشاورزی و نیز به دست آوردن درآمدهای غیر کشاورزی، کم و بیش نوسازی در روستا آغاز گردید و بسیاری از خانواده‌های روستایی در واحدهای مسکونی خود تغییراتی ایجاد نموده اند. بعد از انقلاب بر اثر مهاجرت و رفت و آمد به شهرها، توجه روستایی به وضع سکونت خود افزون گشت، کمبود مسکن چه از نظر کیفی و چه از لحاظ کمی در روستا احساس شد و خانواده‌های روستایی به احداث خانه‌های جدید اقدام کردند. وجود خانه‌های نوساز آجری با پوشش ورقه‌های آهن سفید، آسفالت یا موزائیک در کنار اتاق‌های گلی و کاهگلی و نیز احداث خانه‌های ویلایی به سبک خانه‌های شهری نمونه‌ای از این تغییرات است.

به عبارت دیگر لازم است در شیوه نگرش به طراحی و ساخت مسکن روستایی در عین حفظ خصوصیات بومی، روش‌های ساخت محلی و تطابق مسکن با نیازهای معیشتی روستائیان اصلاح شده و مسائلی مانند مقاومت در برابر زلزله، ملزومات بهداشتی، مباحث زیست محیطی، استفاده بهینه از انرژی و مانند آن در طرح مسکن روستایی ملحوظ گردد. بدین ترتیب می‌توان روند ساخت و ساز در روستاها را اصلاح کرده و در راستای صحیح هدایت نمود.

در ادامه با اشاره به عوامل مؤثر بر تغییرات مسکن روستایی و تبیین توسعه پایدار روستایی، با توجه به رویکردهای مربوطه راه حلهایی ارائه می‌گردد که این راه‌حلها می‌توانند به‌عنوان راهکار برای جلوگیری از تغییرات در سطوح بالای مسکن مدنظر قرار گیرند.

این پژوهش سعی دارد در پایان به سؤالات زیر پاسخ دهد:

1. رویکردهای مرتبط با توسعه پایدار روستایی به چه صورت می‌تواند به تداوم مسکن روستایی کمک کند؟
2. چه عواملی در شکل‌گیری مسکن روستایی غیر متعارف در یک روستا دخیل بوده‌اند؟

مسکن روستایی

شکل کلی معماری سنتی، از سنت عامیانه سرچشمه می‌گیرد و سنت عامیانه، همان سنت بلاواسطه و ناخودآگاهی است که در بطن یک فرهنگ مردمی جریان دارد و به گونه‌های معنوی و مادی و متأثر از نیازهای مربوط به آن‌ها و نیز بر مبنای خواسته‌ها و آرمان‌های آن‌ها و بالاخره به پیروی از رنج‌ها و شادی‌ها و آرامش‌های انسانی شکل می‌گیرد. معماری ساده و روستایی در قالب این سنت‌ها، ادراکی از جهان است که به وضوح دیده می‌شود. در روستا به دلیل سنتی بودن جامعه، شکل مسکن که به منزله الگو، مورد قبول همگان است، شدیداً در مقابل تغییرات مقاومت می‌کند و دوام می‌آورد (زرگر،88: 9-10). عواملی که در ابتدا سیمای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

عمومی روستا و در ادامه معماری مسکن روستایی را متأثر می کند؛ عبارتند از جغرافیای محل، اقتصاد، فرهنگ و عوامل سیاسی و اجتماعی (تسنیمی،79: 5). مساکن از نظر مصالح ساخت، شکل و آرایش قسمت‌های مختلف، تحت شرایط جغرافیایی محیط خود قرار می‌گیرند و به سبب انعکاس این تأثیر از اهمیت جغرافیایی برخوردار می‌شوند. مساکنی که بیشترین تطابق را با محیط جغرافیایی داشته و تأثیرات محیط خود را به خوبی منعکس می کند مساکن روستایی می باشد (ظاهری،74: 56-57).

کلید فهم خانه روستایی وابسته به شناخت فضاست و از این طریق است که باید فضای مطلوب و دلنشین برای زندگی روستایی به‌وجود آورد. گرچه خانه‌های بومی روستایی طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته، اما شکل و سازماندهی این خانه ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه در کنار پاسخگویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستائیان نقش بسیار تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری آن‌ها داشته است (سرتیپی پور،90: 13). معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت از نفس سکونت و شیوه زیست در روستا نشأت می‌گیرد (سرتیپی پور،84: 44). روستا در عالم واقع، یک پدیده واحد است و نمی‌توان عوامل و اجزای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، زیست بومی و غیره آن را از هم جدا کرد زیرا شامل عده‌ای از مردم است که شغل و تولیدات ویژه‌ای دارند، در محیط معین و مشخصی زندگی می‌کنند و با یکدیگر روابط و مناسبات ویژه و تعیین شده‌ای دارند. دارای باورها، اعتقادات و ارزش‌های ویژه‌ای هستند و در بستر جغرافیایی خاصی نیز زندگی می کنند (زرگر،88: 31). در نتیجه شکل خاصی از مسکن را می‌طلبند که از مسکن شهری متمایز می‌شود. اساسی‌ترین تفاوت مسکن روستایی با شهری آمیختگی تولید و معیشت و زندگی، در خانه روستایی است (سرتیپی پور،88: 52).

عوامل تغییرات مسکن روستایی

در حال حاضر، سیما و ساختار کالبدی روستاهای ایران با نفوذ و هجوم تکنولوژی، فرهنگ و سیمای شهری و همزمان با آن تنزل ارزش‌های فرهنگی و بومی نزد ساکنان روستا، روز به روز و بیش از پیش مخدوش می شوند. بدیهی است ادامه این روند روستاهای ما را نیز به دنبال شهرها از هویت و سیمای اصیل خود دور خواهد کرد و آنچه می‌ماند شالوده‌ای از تفکرات غربی ناهمخوان با بستر فرهنگی- اجتماعی و منطقه‌ای است. به‌طور مثال، زندگی تک خانواری یا چند خانواری که تعدد فضاها را به همراه دارد، در نظر گرفتن فضاهایی مانند انبار کالا و آذوقه، اجرای مراسم، مطبخ که در ساخت خانه‌های جدید نادیده گرفته می‌شود، فضای نگهداری دام های کوچک که در طراحی‌های فعلی جایی برای آن فراهم نشده و روستایی مجبور است دام خود را به خانه همسایه ببرد، این‌ها از مواردی است که در مسکن سنتی روستایی با توجه به احتیاجات ساخته می‌شده و در حال حاضر مردود پنداشته می‌شود. این همان مسکن نامتعارف روستایی است که نه با معیشت خانوار همراه است و نه با اقلیم و فرهنگ روستانشینان.

این چنین تغییراتی در بستر روستاها به سبب دو عامل عمده به‌وجود می آیند، اول عامل درونی که منظور کنش و واکنش افراد بومی نسبت به تغییرات جهانی شدن است و دوم، عوامل بیرونی که شامل تغییراتی است که نهادهای دولتی با طرح‌ریزی اشکال متفاوت مسکن با نام

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

بازسازی در بیشتر موارد به‌صورت اشتباه به هنجارشکنی در بافت روستاها می پردازند. در ذیل به این موارد پرداخته خواهد شد.

عوامل درونی

اثربخشی فرآیند جهانی شدن در نواحی روستایی با پدیده‌های متفاوتی در عرصه‌های مختلف همراه است که عبارتست از:

با جهانی شدن اقتصاد که تأثیر آن بر اقتصاد و جامعه روستایی پیوسته رو به گسترش است. روستائیان درصددند که محصولات خود را به بازارهای جهانی برسانند. در این صورت اتفاقی که خواهد افتاد به وجود آمدن جریان سرمایه پس از فروش محصولات و شاید تغییر مشاغل از کشاورزی به مشاغل دیگر است. این تأثیرات بر فرهنگ حاکم بیشتر خودنمایی کرده و تغییر مشاغل تغییر در منش و سبک زندگی را به همراه خواهد داشت. این در حالی است که توسعه روستایی در تعاریف خود به تداوم کشاورزی اشاره دارد تا از جهت گیری روستاها به سمت مصرفی شدن جلوگیری به عمل آید. اگر چه مهاجرت‌های روستا- شهری چیز تازه‌ای نیست اما همگام با فرآیند جهانی شدن ابعاد تازه‌ای یافته است. در سرزمین‌های توسعه نیافته روستاها و روستانشینان با درجات متفاوت، از بسیاری از امکاناتی که شهرنشینان از آن‌ها برخوردار هستند محروم می‌باشند، یعنی عدم تعادل کلی میان شهر و روستا، به لحاظ ثروت، قدرت، فرهنگ، جاذبیت و امید وجود دارد. جاذبیت در شهر بیش از حد وسعت یافته و امید در روستا بیش از حد تضعیف شده است (زرگر،88: 13)؛ در نتیجه مهاجرت به شهرها آغاز می شود. در این گونه کشورها، روستاها با شبکه‌ای از هم گسیخته مواجه خواهند شد و کانون‌های شهری، با عدم پایداری اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن روبه‌رو می‌شوند.

با شناخت صحیح روابط جاری میان محیط های شهری و روستایی می‌توان در راستای تغییر ساختاری- عملکردی روابط و مناسبات موجود و در نتیجه برقراری پیوندهای مناسب یاری رساند.

با ظهور وسایل جهانی ارتباط جمعی و حضور یک فرهنگ عمومی جهانی مبتنی بر مصرف نسبتاً همسان فیلم، تلویزیون، موسیقی و مانند آن در چهارچوب این فرهنگ عام، کار و زندگی در محیط‌های روستایی همه جا یکسان است، همان گونه که شکل خاصی از زیستن در کانون‌های شهری معرفی و شناخته می شود. یکی از نتایج ناخوشایند این روند، جهانی شدن ارزش‌ها و به سخن دیگر، یکسان سازی ارزش‌ها بر مبنای ارزش‌های رایج غربی، مستقل از تفاوت های فرهنگی و سنتی جوامع روستایی در سرزمین‌های دیگر است (سعیدی،87 : 320). در این صورت است که شکل‌های متفاوتی از سبک زیستن بوجود می آید و جوامع روستایی را به سمت مصرفی شدن سوق می‌دهد بدون آنکه درک کنند که چه اثرات زیانباری بر پیکره جامعه روستایی وارد می‌شود. اثراتی همچون برخورداری از یکسری وسایل زندگی که شاید هیچ کاربردی برای آن‌ها نداشته باشد اما به واسطه مدرن شدن به زندگی ایشان راه پیدا می کند و آنچه در قبل بوده را کنار می زند، مثل استفاده از فرش ماشینی به جای فرش دستی، سرامیک کردن کف، استفاده از وسایل تزئینی که در خانه‌های شهری موجود است و فراموش کردن هنر دستی همانند سرمه دوزی و قالیبافی و ... که نتیجه آن‌ها در حقیقت دوری از هویت روستایی برای نسل‌های آینده خواهد بود. نوسازی از جمله پدیده هایی است که توسط افراد روستایی با اثرگذاری فرآیند جهانی شدن باعث تغییر در شکل و زندگی می‌شود. اصطلاح نوسازی از کلمه لاتین مد به معنی"همین حالا" و "هم اکنون" اخذ شده است و منظور از مدرن عدم

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

تطابق مسکن با محیط طبیعی و پیاده نمودن نقشه ساختمان‌هایی است که بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی طراحی شده‌اند (موسوی و صالحی،84: 30). امروزه گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات، دگرگونی‌های دامنه داری را در سطح سکونتگاه‌های روستایی به همراه داشته است. از جمله کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی غیر بومی و مدل برداری از شیوه‌های ساخت و ساز و معماری شهری در عرصه‌های روستایی است (سعیدی،87 : 746). طی دهه‌های اخیر، الگوهای شهری توسط کسانی که مدتی را برای کار یا تحصیل در شهر گذرانده‌اند، به روستا منتقل شده است. در چنین شرایطی جای طراحی روستایی کلاً خالی است و نقشه خانه‌ها با هال مرکزی و چند اتاق و سرویس و آشپزخانه در اطراف آن به روستاها منتقل شده و رواج یافته است. این چنین طرحی به راحتی با رفتارهای سکونتی روستائیان انطباق ندارد. اما در عین حال به لحاظ فرهنگی، نقشه و طرح‌های شهری نوعی تشخص محسوب می‌شوند و دوری از الگوهای سنتی را تشویق می کنند. هر قدمی را که به سمت مدرنیزاسیون برداشته می شود پیشرفت پنداشته شده و هر جامعه‌ای سعی در اخذ این پدیده دارد؛ چنین است که روستاهای ما به سبک و شیوه غربی، ساختمان سازی می‌کنند بدون اینکه ساختار و کارکرد آن‌ها، مطابق شیوه زندگیشان باشد. باید به تصور غلط در مورد نوسازی توجه کرد که همه جنبه های نوسازی خوب و مفید تلقی نمی گردد؛ نوسازی موجب دگرگونی‌هایی می‌شود که لزوماً همیشه مفید نیست؛ بلکه ممکن است زیان هایی را به دنبال داشته باشد.

عوامل بیرونی

از جمله عواملی که شکل تازه‌ای از مسکن را بدون شناخت کافی از الگوهای فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی روستاها به‌وجود آورده است بازسازی و مقاوم سازی ابنیه روستایی توسط نهادهای دولتی به شکل طرحی فراگیر می باشد.

مبحث مسکن به‌طور عام و مسکن روستایی به‌طور خاص، از جمله مهم‌ترین مباحث مطرح در برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی فرهنگی بعد انقلاب به‌شمار می‌رود. پس از انقلاب هرچند تأمین مسکن خصوصاً مسکن روستایی از اهمیت بیشتری در مجموعه‌های توسعه برخوردار گردید اما توجه چندانی به کیفیت و شرایط مسکن در نقاط روستایی نشده است. می‌توان گفت نگرشی که به مسکن روستایی وجود داشته؛ همان نگرشی بوده که برای مسکن شهری دنبال می شده است (سرتیپی پور،84: 45). طرح بازسازی و مقاوم سازی مسکن روستایی که توسط بنیاد مسکن بدون برنامه و هدایت لازم و فاقد هرگونه سازوکار به اجرا درآمده، موجبات تخریب و نابودی ارزش های معماری بومی را فراهم ساخته است (جام کسری،89: 69). بازسازی پس از سانحه یک نوع از ورود طرح‌های جدید به روستاها می‌باشد. در بازسازی سعی در تأمین حداقل سرپناه مورد نیاز خانواده‌ها است. سری سازی، محدودیت زیر بنا و تولید انبوه باعث می‌شود که کار طراحی روستایی از نظر انطباق با نیاز متنوع خانواده‌هایی که قرار است در این خانه زندگی کنند، کم رنگ جلوه کند. در مقاوم سازی نیز تأمین حداقل سلول مستحکم و مقاوم برای هر خانه هدف اصلی است. ما حصل این فرآیند این است که روستائیان به‌تدریج مهارت طرح و ساخت بومی را از دست می‌دهند. در حال حاضر به‌صورت تک بعدی موضوع استحکام ابنیه در برابر بلایا، عوامل غیر مترقبه و عمدتاً زلزله به‌عنوان مسئله اصلی در ابنیه سنتی روستایی تلقی می شود و مقاوم سازی اولویت اول را به خود اختصاص داده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

آنچه باعث می‌گردد کـه تحـولات ایجـاد شـده در زندگی روستانشـینان کمتـر جلـوه کنـد آگـاهی افـراد از فرهنگ بومی و توسعه روستایی بـه منظـور جلـوگیری از مهاجرت و ... می باشد. در ذیـل بـا توسـعه روسـتایی و چگـونگی اثربخشـی آن در راسـتای بـازخوانی مسـکن روستایی آشنا خواهیم شد.

توسعه روستایی

توسعه، پیشرفتی همه جانبه در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی، به‌ویژه با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی- اقتصـادی و تـأمین منـافع آیندگان است. برقراری بهینه مناسـبات متقابـل انسـان و محیط در هر منطقه جغرافیایی، به گونه‌ای که انسان ضمن برخورداری و بهره بـرداری کامـل از ایـن ظرفیـت‌هـای محیطی تعادل محیط را نیز حفظ کند، از نمودهای توسعه است (هجرتی، 79 :19). تجارب متعدد در زمینه توسـعه و صنعتی شدن نشان داده است کـه دسـتیابی بـه توسـعه نیازمند برقراری تعادل بین جامعه شهری و روستایی، بین بخش صنعت و کشـاورزی و بـین همـه اجـزای تشـکیل دهنده سیستم جامعه و سرزمین است. بـه سـخن دیگـر، بدون عنایت کافی به تعامل اثرگذار عرصه‌های روسـتایی و شهری، آنچه اتفاق افتد، نه به نفع مراکز روستایی و نه یاور کانون های شهری خواهد بود. عـلاوه بـر ایـن، بـه همین سبب است که اقدامات عمرانی، در عـوض ایجـاد تعادل فضایی در عرصه‌های سکونتگاهی، اغلب نه به نفع بی چیزان، بلکه به نفع برگزیدگان اجتماعی - اقتصـادی و نه به نفع روستاها که بـه نفـع شـهرها تمـام مـی شـود (سـعیدی،89: 10). بـا روشـن شـدن اهمیـت توسـعه روستایی در توسعه ملی، از دهه 1950 به بعـد، نظریـات، دیدگاه ها و روش‌های مختلفی برای رسـیدن بـه توسـعه روستایی مطرح شده و در سطح کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این نظریـات و دیـدگاه‌هـا طیـف وسیعی را در بر می‌گیرد که شامل دیدگاه‌هایی با رویکـرد کل نگر و دیدگاه‌هـایی بـا تأکیـد بـر جنبـه‌هـای خـاص می‌باشد. در یک تقسیم بندی عمومی راهبردهـای توسـعه روستایی که بر مبنای نظریه‌ها تدوین شـده‌انـد بـه‌منظـور درک هرچه بیشتر موضوع همراه بـا راه حـل‌هـا، مباحـث زیر را در بر می‌گیرند.

رویکردهای اقتصادی - سیاسی

بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی روستائیان عامـل توسعه بوده، به‌منظور دستیابی به این هدف استراتژی‌هـای متعددی پیشنهاد شده است شامل استراتژی انقلاب سبز[1]، استراتژی اصلاحات ارضـی[2]، اسـتراتژی صـنعتی نمـودن روستاها و استراتژی رفع نیازهـای اساسـی (تسـنیمی،79: 5). روستاهای پس از اصلاحات ارضی الگوی گسترش و معماری شهری را پذیرفتند. در این مرحلـه تغییراتـی در روابط داخلی مسکن پدیـد آمـد. ایـن تغییـرات از قبیـل تعریف فضای مهمان، آشپزخانه مسـتقل، سـرویس‌هـای بهداشتی و حمام خانگی می‌باشد (حجت،85: 75).

یکی از بهبود دهنده‌های این رویکرد؛ گردشگری و شناسایی نقاط قوت و ضعف توسعهٔ گردشگری روستایی است که فرصت‌هایی را از دل تهدیدهای موجود فـراهم می‌آورند تا موجب توسعهٔ روستایی پایـدار و بهـره منـد شدن نسل‌های امروز و آینده از معیشت پایدار و پتانسـیل های موجود در سـاختار اقتصـادی، اقلیمـی و اجتمـاعی شود. فراهم کردن مناسبات لازم و تأمین تسهیلات بـرای زندگی، متناسـب بـا شـرایط کنـونی از عوامـل مـؤثر بـر ماندگاری ساکنان در بافت‌های روسـتایی و جلـوگیری از مهـاجرت روسـتائیان اسـت. بـا اسـتمرار سـکونت در روستاها، بخشی از سرمایه‌هایی که برای ایجاد مسـاکن و تأسیسات روستاها هزینه می‌شود، حفظ می شوند. ازایـن رو، استمرار سکونت و بـه تبـع آن تـداوم تولیـد، سـبب خواهد شد روستائیان تولیدکننده کمتر به شهرنشـینان یـا

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

حاشیه نشینان مصرف کننده مبدل شوند که این امر عواید اقتصادی را در پی خواهد داشت (جام کسری،89: 65-66). با توسعه گردشگری تنها باید این مسئله را مد نظر قرار داد که مراقبت از هویت منطقه‌ای و روستایی مهم‌تر از برداشت‌های اقتصادی است؛ پس نباید ورود افراد از دیگر نقاط به روستا باعث جابجایی فرهنگی گردد.

در این دیدگاه توسعه گردشگری با استفاده از منابع موجود به گونه‌ای است که ضمن پاسخ دادن به نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ضوابط قانونی جامعه و انتظارات گردشگران بتوان وحدت و یکپارچگی، هویت فرهنگی، سلامت محیط زیست، تعادل اقتصادی و رفاه مردم محلی را تأمین کرد (رضوانی و صفائی، 84: 113).

با توجه به دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در زمینه گردشگری روستایی می‌توان ابراز داشت که گردشگری روستایی از یک سو با فراهم آوردن فرصت‌های جدید برای بسیاری از روستاها به‌عنوان وسیله‌ای است که به جوامع روستایی حیات دوباره می‌دهد و موجب توسعه این نواحی می‌شود و این سکونتگاه ها را پا برجا نگه می‌دارد، و از سوی دیگر توسعه بدون برنامه‌ریزی شده آن سبب آسیب‌های اجتماعی و زیست محیطی در سکونتگاه‌های روستایی می‌شود.

رویکرد فرهنگی و اجتماعی

شرایط سخت زندگی در روستاها و آسیب پذیری‌های اجتماعی- اقتصادی و فیزیکی این مناطق، موجب مهاجرت توده وار روستائیان، به امید دستیابی به زندگی بهتر به سوی شهرها می شود (زرگر، 88: 14). توزیع عادلانه امکانات و خدمات رفاهی زیر بنایی از توسعه روستایی است (سرتیپی پور،88: 54). توسعه فرهنگی و اجتماعی با روشهایی مانند آموزش، ایجاد نهادهای غیر دولتی و سازماندهی فعالیت های مشارکتی امکان پذیر است، از این طریق ارتقای توانایی روستائیان و جهت دادن به فعالیت آن‌ها، وضعیت روستاها را اصلاح نموده و مهاجرت از روستا به شهر را کاهش می‌دهد (تسنیمی،79: 5).

رویکرد کالبدی- فضایی

در این رویکرد، مسائل و مشکلات موجود در روستا، حاصل ضعف و کمبودهای موجود در زمینه زیر ساخت ها و ویژگی‌های کالبدی پنداشته می شود. به این ترتیب تأمین آب، برق، تلفن و سایر امکانات همراه با بهسازی وضعیت فیزیکی واحد های مسکونی به‌عنوان راه حل‌های اساسی توسعه روستایی تلقی می‌شود.

جمع بندی

با توجه به رویکردهای اشاره شده در بالا می‌توان با توجه به توسعه روستایی از موارد زیر در بازخوانی مسکن در روستا استفاده نمود.

سیاست مشارکت

مشارکت در توسعه روستایی بر مبنای رویکردهای اجتماعی - فرهنگی تدوین شده است و ابزارهای پیشنهادی با توجه به موضوع متفاوت است. مشارکت روستائیان در ساخت و بهسازی مسکن روستایی، علاوه بر چهارچوب مدیریتی- مالی به مسائل فنی نیز مربوط می‌شود. بیشتر طرح‌های بهسازی بدون مردم و به‌عنوان امری تخصصی میان مهندسان تلقی می شود و تا زمانی که دولت و متولیان امر به‌عنوان قیم، متولی مستقیم طرح و اجرای بهسازی می‌باشند، حداقل مشارکت روستائیان متوقع را نیز نمی‌توان انتظار داشت. ایجاد حس تعلق روستائیان به سرزمین، اساسی ترین و کم هزینه‌ترین راهبرد در ساماندهی مناسب طرح بهسازی است. ازاین رو، باید در طراحی و تصمیمات با مردم و نهادهای محلی مشورت شود و آن ها به‌عنوان استفاده کنندگان از طرح از نتایج آن آگاه شوند؛ زیرا مشارکت اهالی اهمیت بهسازی را نزد آنان بالا می برد و باورهای عمومی را

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

نسبت به حفظ و اشاعه ارزش‌های فرهنگی و معماری بومی دوباره احیا می کند و درک اجتماعی را نسبت به بهسازی توسعه می‌دهد (جام کسری،89: 69-70). اساس توسعهٔ پایدار بر مبنای مشارکت دادن مردم در تمامی مراحل تصمیم سازی، تصمیم‌گیری و اجرا شکل می‌یابد. این برنامه‌ها از نیروی حرفه‌ای برای بهبود شرایط و مشکلات بومی برای دست یابی به نتایج بهتر و ضمانت بلند مدت آن بهره می‌گیرد (حبیبی و همکاران، 89: 6).

سیاست‌های مدیریتی - مالی

ایجاد شرایط لازم برای توانمندی فنی- اقتصادی و اجتماعی روستائیان، از طریق تأمین مصالح به گونه‌ای که استفاده از مصالحی خارج از چهارچوب‌های فنی و فرهنگی و اقلیمی به‌عنوان یکی از نابسامانی‌های تداوم مسکن پنداشته شود و با مغایرت با اصول، از اعمال آن‌ها جلوگیری به عمل آید که با پشتیبانی مالی دولت و نهادهای داخلی و مدیریت صحیح منابع بومی و نظارت بر ساخت و سازها می‌توان به آن‌ها دست یافت. عدم سرمایه‌گذاری متمرکز و حمایت نکردن حقوقی نیز از جمله مسائلی هستند که از سویی دیگر به تدریج به نارسایی اهداف طرحهای بهسازی کمک می‌کنند (جام کسری،89: 69).

سیاست‌های فنی - معماری

در این نظریه تلاش بر این است تا با استفاده از روش‌های مختلف، حد دخالت ساکنان، مسئولان در طراحی و اجرای واحدهای مسکونی مشخص شود. رویکرد فعلی طرح مقاوم سازی مسکن روستایی مغایر و منافی طرح بهسازی بافت با ارزش روستایی است و تخریب واحدهای بومی به بهانهٔ ضعیف بودن در برابر زلزله، وارد کردن فناوری غیربومی ساختمان و ورود عناصر غیربومی معماری به روستا از دستاوردهای نامیمون این طرح است. در یکی از این روشها که توسط کریستوفر الکساندر[3] معرفی شده، از طریق مطالعه الگوهای مختلف ساختمان سازی که در طی قرن‌ها توسط مردم به‌کار رفته است، شیوه‌های گوناگون طراحی شناسایی شده و به زبان ساده در اختیار استفاده کنندگان قرار می‌گیرد. حسن فتحی[4] نیز با رویکردی مشابه شناخت و کاربرد سنت های زندگی و ساختمان سازی هر روستا را پیش نیاز هر نوع اقدام طراحی می داند (تسنیمی،79: 5). چگونگی برخورد با مشکلات و انتخاب و گزینش راهکارهای خاص هر محیط با استفاده از امکانات همان محیط، مهم ترین اصل در تبیین بوم است. عدم توجه به بوم و مؤلفه های آن در الگوهای بومی یک منطقه و تجویز عناصر ناسازگار در طراحی به بهانهٔ نوآوری، تهدیدی جدی را پیش روی طرحهای بهسازی فراهم می آورد.

نتیجه

روستا با توجه به فرآیندهای به‌وجود آمده تحت تأثیر ارتباطات، مهاجرت و گسترش معادلات و تعاملات شهر و روستا، به سوی یک نوع تحول و شهری شدن است؛ در زندگی روستایی اولین قدم‌ها به سوی شهری‌شدن موارد زیر می‌باشد که این موارد زندگی روستایی را از تقابل بین سنت و مدرنیته بیرون آورده است.

- وارد شدن کالاهای مصرفی زیاد به روستاها،
- عوض شدن تفکر روستائیان،
- ظهور خرده‌فرهنگ‌ها،
- گسترش رسانه‌ها،
- تعمیم خانه سازی از طرف دولت به‌عنوان بازسازی و مقاوم سازی.

موارد بالا به‌صورت بسیار واضح باعث تغییر ارزش ها گردیده است و عرف مسکن به معنای واقعی روستایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

بودن را تحت شعاع قرار داده است. امروزه خانواده‌های روستایی، احداث خانه‌های جدید به شیوه شهری با مصالح جدید را نوعی ارزش و معیار تجدد و قدرت می‌دانند. می توان گفت که ارزش‌های سنتی و فرهنگ خاص اقوام منطقه‌ای، در تضاد با ساخت و سازهای جدید قرار گرفته است. مسکن روستایی اگر متناسب با امکانات و مقتضیات ملی و محلی باشد و با انعطاف پذیری مناسب انجام شود، اگرچه در ابتدای امر ممکن است به ظاهر موجب بروز برخی محدودیت‌ها در طراحی شود اما به مرور و با دستیابی طراحان و سازندگان به توانایی ها و قابلیت‌های این ضوابط، خود به انگیزه‌ای برای افزایش کیفیت و ایجاد زمینه‌های ابتکار و خلاقیت در طراحی تبدیل می شود، در نهایت مسکن روستایی تداوم داشته و با ثبات بخشیدن به فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و کالبد روستایی با ایجاد تعادل میان روستا و شهر به توسعه‌ای پایدار می انجامد. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پیش زمینه‌ای به‌منظور به‌دست آوردن معیارها و دستوالعمل‌های مناسب برای طراحی و اجراهای بناهای امروزی را در روستا باشد. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. مهندسان با دانش معماری روستایی و اصول آن کاملاً مأنوس شوند، به‌طور مثال مطالعه معماری بومی و تأمل در رفتارهای سکونتی روستائیان و نیازهای جدید آن‌ها.

2. شناخت مصالح و فناوری بومی ساخت در کنار آشنایی با تجربیات جهانی در زمینه ارتقاء ساخت و ساز با مصالح بوم آورد.

3. استفاده از مصالحی که در اقلیم منطقه به خوبی عمل نموده و از نظر بهینه سازی مصرف سوخت دارای بیشترین بازدهی باشد.

4. اعمال قوانینی برای ساخت و سازهای روستایی همانند شهرها، به‌طور مثال به تأیید رساندن طرح مسکن به دستگاههای اجرایی مربوطه.

5. آموزش و کمک‌های مالی و علمی به روستائیان به‌منظور درک و اعمال استفاده از قابلیت‌های روستا برای کسب درآمد بیشتر.

6. ایجاد حس خودباوری در بین روستائیان و اینکه آن‌ها می‌توانند ناقل فرهنگ های اصیل باشند نه پذیرنده فرهنگ های ترکیبی.

7. نمونه‌ها و الگوهایی نیز برای بهره‌برداری عینی روستائیان، توسط محققان، طراحان و دست اندکاران ساخت و ساز روستایی تهیه و ارائه گردد. این الگوها باید به نحوی پیشنهاد گردد که در عین اصلاح روند طراحی و اجرای فعلی، به شکل طرح های تحمیلی و یک شکل نبوده و طرح معماری یکسانی را به روستائیان تحمیل نکند.

پی‌نوشت

1. تحول مهمی در فناوری و بهره‌وری کشاورزی طی دهه‌های 1960-1970م که به افزایش بی سابقه محصولات کشاورزی و بازده محصول در واحد سطح انجامید (ازکیا،87: 65).

2. قانون اصلاحات ارضی در چهارم خرداد ماه 1339 به هیئت دولت وقت ابلاغ شد و این اصلاحات در قالب رفرمی حکومتی تحت عنوان "انقلاب سفید" در دهه 1340 تداوم یافت. در این رفرم، مالکیت زمین‌های کشاورزی از دست بزرگ مالکان و اربابان درآمده و تحت شرایطی به کشاورزان واگذار گردید. پس از اصلاحات ارضی، زیاد شدن سطح اشغال زمین توسط مسکن بود؛ روستائیان که پیش از این در مساکنی فشرده و با تراکم بالا می زیستند، اکنون امکان یافته بودند تا خانه‌هایی گسترده تر با فضای باز و نور بیشتر داشته باشند مسکن بعد از اصلاحات ارضی که چهره‌ای ناخوشایند به روستا می داد؛ حکایت از خلأ فرهنگی و علمی در کاربرد مصالح جدید داشت. استفاده از عایق

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]

قیر و گونی روی کاهگل را می توان به‌عنوان نمونه‌ای بارز از این مسئله دانست (حجت،85: 82).

3. کریستورفر الکساندر ،استاد رشته معماری در آمریکا است.او در سال 1936 در وین متولد شد و در آکسفورد و چیستر انگلستان بار آمد. الکساندر جزو نظریه‌پردازان بزرگ معاصر معماری محسوب می‌شود.

4. حسن فتحی در دانشگاه قاهره آغاز به کار کرد و رئیس مدرسه معماری دانشگاه این شهر بود. همواره تلاش می‌کرد تا شیوه ساختمان سازی سنتی فراموش شده را به‌ویژه در مناطق روستایی مصر، که مراحل اولیه توسعه را طی می‌کردند، به روش بازسازی مجدداً احیا کند.

منابع

- ازکیا، مصطفی.(1387)، انقلاب سبز، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران.

- تسنیمی، عباسعلی؛ راهب، غزال؛ میر مقتدایی، مهتا؛ مهدی، طارق؛ طالبی، ژاله.(1379)، الگوی مسکن روستایی در اردبیل، انتشارات مرکز تحقیقات و مسکن، تهران. چاپ اول.

- جام کسری، محمد.(1389)، بهسازی بافت های با ارزش روستایی(فرایندی از ذهنیت تا عینیت) ، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 131، تهران.

- حبیبی، محسن؛ بارول، شیرین؛ خجسته، مریم؛ نگداری کیا، پریا.(1389)، طراحی روستایی، مشارکت و توسعه پایدار، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 139، تهران.

- حجت، عیسی.(1385)، تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 26، تهران.

- رضوانی، محمد رضا؛ صفائی، جواد.(1384)، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی : فرصت یا تهدید، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، تهران.

- زرگر، اکبر.(1388)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران. چاپ پنجم.

- سرتیپی پور، محسن.(1384)، شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، تهران.

- سرتیپی پور، محسن.(1388)، بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، نشریه صفه، شماره 49، تهران.

- سرتیپی پور، محسن.(1390)، پدیدار شناسی مسکن روستایی، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 133، تهران.

- سعیدی، عباس.**(1387)**، مسکن روستایی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران.

- سعیدی، عباس.**(1387)**، جهانی شدن و روستا، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران.

- سعیدی، عباس.(1389)، محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی- شهری، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 131، تهران.

- ظاهری، محمد.(1374)، جغرافیای سکونت (سکونتگاههای روستایی)، انتشارات دانشگاه تربیت معلم تبریز، تبریز. چاپ اول.

- موسوی، بی بی اعظم؛ صالحی، فرحناز.(1384)، بررسی ابعاد اجتماعی الگوهای سنتی و جدید در مساکن روستایی، نشریه مسکن و انقلاب، شماره 112، تهران.

- هجرتی، محمدحسن.(1379)، جغرافیا و توسعهٔ روستایی، مرکز آبا، تهران .

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-13]